

- اسکندر کبیر در ایران
- Darab Nameh Abutaher Parsusi
- Traduit et annoté par: Marina Gaillard
- De Boccard
- Paris, 2005
- ناشر: دبوکار
- پاریس. ۲۰۰۵

داراب‌نامه یکی از آثار پرآوازه ادبیات عامیانه ایران که انشا آن به حدود قرون پنجم و ششم هجری قمری باز می‌گردد، نمونه‌ای دیگر از داستان اسکندر است که توسط مارینا گایار عضو گروه مطالعات ایرانی مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه CNRS، استاد مؤسسه ملی زبان‌های شرقی پاریس INALCO و متخصص نثر فارسی دوره اسلامی، به فرانسه ترجمه شده است. از ایشان پیش از این «سمک عیار، ساختار و بینش نثر فارسی» در سال ۱۹۸۷ بوسیله CNRS در پاریس به چاپ رسیده که ترجمه آن نیز در ایران توسط نشر انوشه در ۱۳۸۲ منتشر شده است. راوی داستان داراب‌نامه ابوطاهر طرسوسی یا طرطوسی است که آنچه از او می‌دانیم بسیار اندک است. مطالعات انجام شده توسط حسین اسماعیلی مصحح ابومسلم‌نامه طرطوسی گویای این مطلب است که ابوطاهر از یک سو فردی گرایش‌های شیعی و از مبارزین نهضت شعوبیه است و از سوی دیگر عشق و علاقه او به ایران و ارادتی که به زبان پارسی و پهلوی می‌ورزد تردیدی در ایرانی بودن او باقی نمی‌گذارد. گفته شده است که او از مردم خراسان است و انتساب او به طرسوس یا طرطوس از قبیل انتساب مولانا به روم است زیرا به نظر می‌رسد که او به رسم زمان خویش به سیاحت در سرزمین‌های اسلامی می‌پرداخته و در آخرین سفر خود به دلیلی نامعلوم در یکی از این دو شهر که یکی در ترکیه و دیگری در سوریه کنونی قرار دارد ساکن شده است. ابوطاهر در بیان شخصیت اسکندر تحت تأثیر سه فرهنگ و یا سه گرایش مختلف

**Alexandre le Grand
en Iran**

**Le Dârâb Nâmeh
d'Abu Tâher Tarsusi**

traduit et annoté par

Marina Gaillard



۲۱۹

است. او با دسترسی به منابع مربوط به پیش از اسلام از یک سو و آثار کلاسیک ادبیات فارسی از سوی دیگر و نیز تحت تأثیر روشهای روایت شفاهی تصویری نو از اسکندر ارائه می‌کند. در ویژگی این تصویر مترجم در مقدمه کتاب می‌گوید: «در شاهنامه اسکندر در ردیف ضحاک و افراسیاب، دشمنان ایران، قرار می‌گیرد. در کارنامه اردشیر بابکان و نیز در دادستان مینوی خرد او مأمور اهریمن است در دینکرد اسکندر یکی از سه بلای هولناک آیین بهی است و در نامه تنسر ویرانگر اتحاد امپراطوری ایران است. اما در آثار کلاسیک فارسی، تحت تأثیر برخی ترجمه‌های عربی از داستان اسکندر، احوال و شخصیت او به گونه‌ای دیگر به تصویر در آمده. در اسکندرنامه نظامی او رهبری شایسته برای جامعه افلاطونی است. امیرخسرو دهلوی در آیین اسکندری تصویر زیبایی از فیلسوف جهانگرد بیان می‌کند و در خردنامه اسکندری، جامی، اسکندر را دانشمندی می‌بیند که با گروهی از فیلسوفان به سفر دور دنیا پرداخته مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند. اما روایت طرطوسی آمیزه‌ای جذاب از سنتهای ایرانی پیش از اسلام و پس از اسلام درباره اسکندر است که چاشنی فولکلور هم به آن افزوده شده زیرا داستان از زبان قصه‌گویانی بر کاغذ آمده که سالهای طولانی آنرا در سینه حفظ کرده‌اند و بر سر کوچه و بازار و دربار پادشاهان نقل کرده‌اند».

براساس فهرست نسخه‌های خطی فارسی تنظیم احمد منزوی، آثار ابوطاهر طرطوسی در

برگیرنده نُه داستان است: ۱ - ابومسلم نامه ۲ - مسیب نامه ۳ - جنگنامه محمد حنفیه
۴ - داستان قیران حبشی ۵ - قصص شاهنامه ۶ - قهرمان نامه ۷ - داراب نامه ۸ -
اسکندرنامه ۹ - تاریخ اسکندری.

داراب نامه مشهورترین اثر مؤلف است و پیش از این توسط استاد فقید ذبیح الله صفا در دو
جلد توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۴۶ به چاپ رسیده و در سال
۱۳۷۵ توسط انتشارات علمی فرهنگی چاپ مجدد شده است. همچنین ترجمه روسی آن
توسط N. B. Kondyreva در مسکو منتشر شده است. اثر دیگری که توسط حسین اسماعیلی
تصحیح شده و انجمن ایرانشناسی فرانسه، نشر معین و نشر قطره آنرا بطور مشترک در سال
۱۳۸۰ و در چهار مجلد به چاپ رسانیده‌اند، ابومسلم نامه است که در برگزیده شرح قیام
ابومسلم و زوال امویان است.

داراب نامه طرطوسی از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول که شرح تولد و زندگی
داراب پدر است آنجا پایان می‌یابد که فیلیپ پادشاه روم راضی می‌شود که در مقابل خروج
سپاهیان ایران از کشورش، دختر خود، ناهید را به دربار داراب بفرستد. بخش دوم، داستان تولد
اسکندر، رسیدن او به پادشاهی ایران پس از جنگ با برادر ناتنی‌اش داراب جوان و شرح
جنگهای او با بوران دُخت و سپس دلدادگی آنها است. بوران دخت یا روشنگ همان Roxane
داستان‌های یونانی است که به خون خواهی پدر و با نهایت دلیری به نبرد با اسکندر می‌پردازد.
سومین و طولانی‌ترین بخش کتاب داستان سفرهای اسکندر به دور دنیا است.

در مقدمه‌ای که نوید صفحه ابتدایی کتاب را به خود اختصاص داده مترجم ابتدا در بیان دلایل
انتخاب این اثر آنرا نمونه خوبی از نثر روایی دوره اسلامی می‌داند و با اشاره به سال‌های برتری
شعر کلاسیک فارسی و سنجش ناآگاهانه آثار ادبیات عامیانه با معیارهای این گونه فاخر ادبی
می‌نویسد:

«این اثر اگر چه از ابتدا بر کاغذ آفریده نشده و بعدها توسط کاتب به نوشتار در آمده اما از
ویژگی‌های یک اثر اصیل ادبی برخوردار است. برخی گمان می‌کنند آثار ادبیات مردمی تنها برای
مردم عادی بوده اما امروزه می‌دانیم که درست به اندازه شعر مورد توجه همه طبقات جامعه بوده
و حتی در دربار شاهان نیز خوانده می‌شدند. به کتابت در آمدن این آثار که در آن زمان کار
پرهزینه‌ای بوده خود نشان دهنده جایگاه این گونه از ادبیات در میان طبقات مرفه از جمله
حاکمان محلی و درباریان است». او در ادامه می‌افزاید «مدتی است که توجه محققان به این آثار
جلب شده و اکنون زمان آن فرا رسیده که به آنها به چشم نوعی مستقل که دارای خاستگاه و
ساختار ویژه‌ای است نگاه کنیم و به تحلیل عالمانه آن پردازیم».



● دکتر مارینا گایار، نویسنده کتاب اسکندر کبیر در ایران

مارینا گایار در بخش دیگری از مقدمه با اشاره به جایگاه ادبیات شفاهی و سنت نقل داستان‌های شاهان و قهرمانان در نزد ایرانیان به تفسیر روانشناسانه اسکندر داراب‌نامه و مقایسه آن با اسکندر به تصویر در آمده در آثار پهلوی و شاهنامه با اسکندر پیامبر نشان منابع کلاسیک ادبیات فارسی می‌پردازد. اسکندر در اینجا به جامه شاهزاده ایرانی در آمده که از ازدواج داراب و ناهید متولد می‌شود و به این ترتیب از طریق پدر به کیقباد اولین پادشاه سلسله اساطیری کیانیان باز می‌گردد و با افسانه آغازین ایران پیوند می‌خورد. نسبت دادن اسکندر به نسل پادشاهان ایران که در شاهنامه هم به چشم می‌خورد، به منظور مشروعیت بخشیدن به حکومت او بر این سرزمین انجام شده است. اما از سوی دیگر داراب پدر از پذیرش فرزندگی به نام اسکندر خودداری می‌کند و اینگونه مشروعیت او مورد تردید قرار می‌گیرد و راوی داستان نیز برای پر رنگ‌تر کردن تردیدش همواره لقب «پادشاه روم» را همراه با نام او می‌گوید. گاه تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده و دور از عقل او را به تصویر می‌کشد تا بدانیم که اسکندر داراب‌نامه دیگر فاتحی با تدبیر و شعاع نیست بلکه تشنه جهانگردی است و گروهی از فرزانش اندیشه‌هایش را احاطه کرده او را به سوی اهدافش هدایت می‌کنند.

مترجم در بخش‌های پایانی مقدمه‌اش بدون اشاره به نسخه اصلی مورد استفاده خود تنها در قسمت کتابشناسی به داراب‌نامه تصحیح استاد ذبیح‌الله صفا و ترجمه روسی آن توسط N. B.

Kondyreva اشاره می‌کند و سپس به توضیح روش ترجمه اثر می‌پردازد: «در ترجمه متن تمام تلاش ممکن برای حفظ ساختار جملات و داستان انجام شده تا ترجمه‌ای امین بدست آید و خواننده بتواند ویژگی‌های یک حکایت شفاهی را هر چند با اندکی ابهام در درک جملات حس کند. اما در مواردی چون نقطه‌گذاری، پاراگراف بندی و... از روش متداول در زبان فرانسه استفاده شده است».

فروردین ۱۳۸۴

نشر میراث مکتوب منتشر کرده است:

- اشراق هیاکل التور للكشف ظلمات شواکل الغرور/ غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی/ علی اوجبی/ ۵۱۵ ص
- جواهرنامه نظامی/ محمدبن ابی البرکات جوهری نیشابوری/ ایرج افشار - محمدرسول دریاگشت/ ۴۴۶ ص
- استاد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی/ منوچهر ستوده - ایرج افشار/ ۳۲۸ ص
- روضة المنجمین/ شهردان بن ابی الخیر رازی/ جلیل اخوان زنجانی/ ۶۱۸ ص
- مرآت واردات/ محمد شفیع طهرانی (وارد)/ دکتر منصور صفت گل/ ۳۰۰ ص
- مرآة الحرمین (سفرنامه مکه)/ ایوب صبری پاشا/ عبدالرسول منشی/ به اهتمام جمشید کیانفر/ ۵۱۸ ص
- تعلیقه بر الهیات شرح تجرید ملاعلی قوشچی/ شمس الدین محمدبن احمد خفری/ فیروزه ساعتچیان/ ۲۳۲ ص
- تاریخ رشیدی/ میرزا محمدحیدر اوغلات/ دکتر عباسقلی غفاری فرد/ ۸۶۱ ص

خیابان انقلاب - بین خیابان ابوریحان و دانشگاه - ساختمان فروردین - طبقه ۸ واحد ۲

تلفن ۶۴۹۰۶۱۲